



عبدالکریم پاک نیا

عَلَيْهِ السَّلَامُ

خدمتگزاری به مردم در سیره و سخن

امام حسین

و حیانی می فرماید:

«اعْلَمُوا أَنَّ خَوَاتِمَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ مِنْ نِعْمِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ فَلَا تَمْلُوا النَّعْمَ فَتَتَحَوَّلَ إِلَى غَيْرِكُمْ؛ بدانید نیاز مندیهای مردم که [به شما مراجعه می کنند] از نعمتهای الهی است پس نعمتها را افسرده نسازید [یعنی مبادا با رنجاندن مردم نیازمند کفران نعمت کنید] که این وظیفه خدمت رسانی به دیگران محوّل خواهد شد.»

بزرگ رهبر جهان اسلام حضرت خاتم الانبیاء ﷺ در پیامی جهانی به

یکی از مهم ترین آموزه های قرآن و اهل بیت ﷺ خدمت به مردم و نیازمندان جامعه است. از دیدگاه مکتب حیاتبخش اهل بیت ﷺ خدمتگزاری به افراد جامعه، حدّ و مرزی ندارد و یک دین باور حقیقی در تمام صحنه های زندگی با الهام از رهبران آسمانی خویش می کوشد تا باری را از دوش دیگران بردارد و خدمتی را به بشر ارائه کند؛ گر چه فرد مخدوم، هم کیش او نباشد، البته خدمت به اهل ایمان اهمیت ویژه ای دارد.

امام حسین ﷺ با تأکید بر این باور

پیروان خود چنین رهنمود می‌دهد:
 «أَيُّهَا مُسْلِمِ خَدِّمْ قَوْمًا مِنَ الْمُسْلِمِينَ إِلَّا
 أَعْطَاهُ اللَّهُ مِثْلَ عَدَدِهِمْ خُدَامًا فِي الْجَنَّةِ؛^۱ هر
 مسلمانی که به گروهی از مسلمانان
 خدمت کند خداوند متعال به تعداد
 آنان، خدمتگزارانی را در بهشت به او
 عطا خواهد کرد.»

اساساً یکی از مهم‌ترین آرزو و
 درخواستهای ائمه اطهار علیهم‌السلام از
 خداوند متعال توفیق خدمتگزاری به
 مردم بوده است و آنان این خواسته
 ارزشمند خویش را در قالب دعاها و
 سخنان گهربار خویش ابراز
 می‌نمودند. امام سجاده علیه‌السلام در دعای
 مکارم الاخلاق با پروردگار متعال
 چنین نجوا می‌فرماید:

«وَأَجْرٍ لِنَاسٍ عَلَيَّ يَدِي الْخَيْرِ
 وَلَا تَمَحَقَّهُ بِأَلْمَنِّ^۲؛ خداوند! انجام
 کارهای خیر را برای مردم، به دست من
 اجرا کن و خدمات نیکم را با منت
 گزاری ضایع مگردان.»

رفع نیاز حاجتمندان و کمک به
 ارباب رجوع، از نکات قابل توجهی
 است که در جوامع حدیثی و منابع
 فقهی بخشهای مستقلی برای آن

منظور شده است. «قضاء حاجة
 المؤمن»، «خدمة المؤمن»، «الاهتمام
 بامور المسلمين»، «الطاف المؤمن و
 اكرامه» برخی از عناوین این ابواب
 است. در متن این گفتارهای سودمند،
 افزون بر ثوابهای اخروی خدمت
 رسانی، به نتایج پربار این خصلت
 خداپسندانه در دنیا نیز اشاره شده
 است. در یکی از همین روایات،
 حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام به
 خدمتگزاران راستین به مردم نوید
 می‌دهد:

«مَنْ نَفَسَ كَرْبَةً مُؤْمِنٍ فَرَجَّحَ اللَّهُ عَنْهُ كَرْبَ
 الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ^۳؛ هر کس اندوهی را از دل
 یکی از اهل ایمان بزدايد، خداوند
 متعال غصه‌های دنیا و آخرت او را از
 میان برداشته [مشكلاتش را حل
 خواهد نمود.]» بنابراین خدمت
 رسانی در جامعه اسلامی، بویژه از
 سوی کارگزاران و مسئولان و صاحبان
 قدرت و مال و متنفذان، امری لازم و
 ضروری است. و شایسته است که هر

۱. اصول کافی، باب خدمت به مؤمن، ح ۱.

۲. صحیفه سجاده، دعای ۲۰.

۳. کشف الغم، ج ۲، ص ۲۹.

الإسلام وَمَعْدِنَ الْأَحْكَامِ وَخَلِيفَ الْأَنْعَامِ؛ [ای جد بزرگوار!] تو بهار یتیمان، حافظ و پناه مردم، مایه سرافرازی اسلام، کانون احکام و معارف الهی و هم پیمان بخشش و احسان بودی.»

آری امام حسین علیه السلام نمونه بارز خدمتگزاری و خدمت رسانی به مردم دردمند بود، او با اعمال و رفتار خویش نه تنها گرهی را از زندگی گرفتاران باز می کرد بلکه چگونه خدمت کردن به دیگران را به علاقه مندان خویش و بشر دوستان عالم عملاً آموزش می داد.

آداب خدمت رسانی

در سیره امام حسین علیه السلام در زمینه خدمت رسانی نکات ظریفی وجود دارد که دقت بیشتر خادمان دلسوز را می طلبد. توجه به شخصیت و حیثیت افراد در امر خدمت رسانی از مهم ترین ویژگیهایی است که شایان توجه می باشد؛ چرا که اگر در ضمن اجرای نیکی و احسان و کمک به ارباب رجوع به عزت نفس و آبروی افراد بی توجهی شود، نه تنها عمل خدمت رسانی نتیجه مثبت نخواهد داد بلکه مایه انزجار و نفرت نیز خواهد بود. در این صورت

مسلمان وظیفه شناس و مسئولیت پذیر در هر پست و مقامی که باشد در امر خدمت رسانی همت نماید و تلاش خود را مضاعف گرداند.

خاطر ناشاد را دلشاد کردن همت است
باغ آفت دیده را آباد کردن همت است
صید مرغان حرم کردن ندارد افتخار
طایری را از قفس آزاد کردن همت است
نان بریدن شیوه مردان والا نیست، نیست
نان برای نوع خود ایجاد کردن همت است
در زمان ناتوانی یاد یاران فخر نیست
روز قدرت از ضعفی یاد کردن همت است
در این نوشتار سعی شده که عمل مقدس خدمت رسانی در سیره و سخن شاخص ترین الگوی خدمتگزاران، یعنی حضرت سیدالشهداء علیه السلام بررسی شده و برخی از زیباترین رفتارها و گفتارهای آن خادم راستین امت اسلام و جامعه بشری به خوانندگان بزرگوار عرضه شود؛ زیرا آن حضرت، پناه بی پناهان، دستگیر یتیمان و اسوه کامل خدمتگزاران است. حضرت مهدی علیه السلام در زیارت ناحیه مقدسه خطاب به آن بزرگوار می فرماید:

«كُنْتُ رَيْعَ الْإِيْتَامِ وَعِضْمَةَ الْأَنْعَامِ وَعِزَّ

رعایت می‌کرد. دو نمونه از رفتار آن حضرت را در این زمینه با هم می‌خوانیم:

۱. روزی شخصی از انصار برای حلّ مشکل خود به پیشگاه آن بزرگوار آمد. او هنوز لب به سخن نگشوده بود که امام علیه السلام از چهره نگران و سیمای گرفته او، دردها و رنجهای درونی‌اش را دریافت و به وی فرمود:

«يَا أَخَا الْأَنْصَارِ صُنْ وَجْهَكَ عَنْ بَدَلَةِ الْمَسْأَلَةِ وَازْفَعْ حَاجَتَكَ فِي رُقْعَةٍ فَأَيُّ آتٍ فِيهَا مَا سَأَلَكَ إِتِشَاءَ اللَّهِ؛ ای برادر انصاری، خواسته‌ات را به صورت شفاهی مطرح نکن. خواسته خود را در کاغذی بنویس تا انشاءالله من با انجام دادن آن، موجبات خوشحالی تو را فراهم آورم.»

او نیز در نامه‌ای چنین نوشت:

«يا ابا عبدالله، من به فلانی پانصد دینار بدهکارم و او مرا تحت فشار قرار داده، با او صحبت کن تا به من مهلت دهد.»

امام نامه‌اش را مطالعه کرده و سپس به درون منزل رفت و کیسه‌ای حاوی هزار دینار آورد و به مرد

امام حسین علیه السلام نمونه

بارز خدمتگزاری و خدمت

رسانی به مردم دردمند

بود، او با اعمال و رفتار

خویش نه تنها گرهی راز

زندگی گرفتاران باز

می‌کرد بلکه چگونه

خدمت کردن به دیگران

را به علاقه‌مندان خویش

و بشر دوستان عالم عملاً

آموزش می‌داد.

شیرین‌ترین ثمره خدمت به تلخ‌ترین خاطره‌ها تبدیل خواهد شد؛ به همین جهت، حضرت سیدالشهداء علیه السلام به این نکته لطیف توجه خاصی داشت و در مواجهه با نیازمندان این شیوه را

انصاری داد و به او فرمود:

«پانصد دینار آن را به طلبکار خود پرداخت کن و باقیه این پول به زندگی ات سامان ده.»

و در ادامه افزود:

«وَلَا تَرْفَعْ حَاجَتَكَ إِلَّا إِلَىٰ أَحَدٍ ثَلَاثَةٍ: إِلَىٰ ذِي دِينٍ، أَوْ مُرْتَوٍّ، أَوْ حَسَبٍ، فَأَمَّا ذُو الدِّينِ فَيَصُونُ دِينَهُ وَأَمَّا ذُو المُرْتَوَّةِ فَإِنَّهُ يَسْتَنْحِي لِمُرْوَتِهِ وَأَمَّا ذُو الحَسَبِ فَيَعْلَمُ أَنَّكَ لَمْ تُكْرِمْ وَجْهَكَ أَنْ تَبْدُلَهُ لَهُ فِي حَاجَتِكَ فَهُوَ يَصُونُ وَجْهَكَ أَنْ يَرُدَّكَ بِغَيْرِ قَضَاءٍ حَاجَتِكَ؛ [ای برادر، اگر روزی گرفتار شدی] مشکل خود را به جز برای سه کس اظهار نکن:

۱. افراد دیندار؛ ۲. جوانمرد؛

۳. انسانهایی که شرافت خانوادگی دارند.

دیندار برای حفظ دین خود [به تو یاری می‌رساند] و جوانمرد به سبب مردانگی خود حیا می‌کند [و به کارت رسیدگی می‌کند] و فرد اصیل و شریف نیز می‌داند که تو با رفتن نزد او از آبرویت مایه گذاشته‌ای و برای انجام دادن خواسته‌ات کوشیده، آبرو و شخصیت تو را حفظ می‌کند.»

۲. روزی مردی بینوا که بر اثر

فشار زندگی جانش به لب رسیده و دستش از همه جا کوتاه شده بود به امید رسیدن به نوایی به مدینه آمد. او در آنجا از کریم‌ترین و سخی‌ترین فرد سؤال کرد.

به او گفته شد: حسین بن علی علیه السلام شریف‌ترین و سخی‌ترین فرد مدینه است. مرد بینوا در جستجوی آن امام بزرگوار به مسجد آمد و حضرت را در حال نماز دید. او در همان جا با خواندن ابیاتی خواسته‌اش را مطرح نمود:

«لَمْ يَجِبْ إِلَّا مَنْ رَجَاكَ وَمَنْ

حَرَكَ مِنْ دُونِ بَابِكَ الْحَلَقَةَ»
«تا به حال ناامید و مأیوس نشده

هر کسی که به تو امید بسته و درب خانه‌ات را کوبیده است.»

«أَنْتَ جَوَادٌ وَأَنْتَ مُعْتَمَدٌ

أَبُوكَ قَدْ كَانَ قَاتِلَ الْفَسَقَةِ»
«تو بخشنده‌ای و تو مورد

اعتمادی و پدرت نابود کننده افراد فاسق و تبهکار بود.»

امام حسین علیه السلام بعد از شنیدن

۱. تحف العقول، ص ۲۴۷.

دگرگونی و تغییر است و بخشش من اندک شده است.»

مرد نیازمند هدایای امام را از لای در گرفت و گریست. امام پرسید: «آیا عطای ما را کم شمردی؟» گفت: «نه، هرگز بلکه به این نکته می‌اندیشم که این دستان پر مهر و با سخاوت چگونه در زیر خاک پنهان خواهد شد!!»

رفتار دل‌پذیر

اگر در مواردی انسان نتواند نیاز حاجتمندی را برآورد، شایسته است که او را با زبان خوش و رفتاری دل‌انگیز راضی کند؛ چرا که برای خدمتگزار وظیفه شناس همیشه کمک مالی به در ماندگان ممکن نیست؛ ولی او می‌تواند با رفتار دل‌پذیر خود، مرمی بر زخم دردمندان، بگذارد؛ همچنان که رسول گرامی اسلام می‌فرماید:

«إِنَّكُمْ لَنْ تَسْمَعُوا النَّاسَ بِأَمْوَالِكُمْ فَتَسْمَعُوهُمْ بِأَخْلَاقِكُمْ»^۱ شما هرگز نمی‌توانید همه مردم را با بذل مال

سخنان وی رو به قنبر کرد و فرمود:

«آیا از مال حجاز چیزی بجای مانده است؟» قنبر گفت: «بلی، چهار هزار دینار داریم.» امام فرمود: «قنبر! آنها را حاضر کن که این شخص در مصرف آنها از ما سزاوارتر و نیازمندتر است.»

سپس امام به منزل رفت و ردای خود را - که از برد یمانی بود - از تن در آورد و دینارها را در آن پیچید و از لای در به آن مرد نیازمند داد و اشعار او را نیز با ابیاتی چنین پاسخ فرمود:

«خُذْهَا فَاِنَّيَ الْيَكِّ مُعْتَدِرٌ»

وَاعْلَمْ بِأَنِّي عَلَيْكَ ذُو شَفَقَةٍ»

«اینها را از من قبول کن، من از تو عذر می‌خواهم و بدان که من برای تو مهربان هستم.»

«لَوْ كَانَ فِي سَيْرِنَا الْعَدَاةُ عَضَا
أَفَسَتْ سَمَاوَانَا عَلَيْكَ مُنْدَفِعَةٌ»

«اگر امروز قدرت و حکومتی داشتیم و دست ما بازتر بود، مطمئناً آسمان جود و رحمت ما بر تو ریزش می‌کرد.»

«لَكِنَّ زَيْبَ الزَّمَانِ ذُو غَيْرِ»

وَإِلَّا كَفَّ مِنِّي قَلِيلَةُ الشَّفَقَةِ»

«ولی حوادث روزگار در حال

۱. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۹۰.

۲. الاختصاص، ص ۲۲۵؛ میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۴۲۹.

در راه حلّ مشکل برادر ایمانی خود تلاش نماید چنان است که نه هزار سال خدا را عبادت کرده در حالی که روزها را روزه گرفته و شبها را به عبادت گذرانیده باشد.»

به همین جهت اگر نتوانیم خدمتی به نیازمندان بکنیم، رفتار خوشایند، می تواند تا حدودی از دردهای درونی افراد رنجور کاسته و موجب آسایش خاطر آنان باشد. شاعری خوش ذوق این نکته را چنین ترسیم کرده است:

آرزو دارم که گر گل نیستم، خاری نباشم
بار برداری زدوشی نیستم باری نباشم
گر چه نتوانم ستانم حق مظلومی ز ظالم
باری این خواهم که همکار ستمکاری نباشم
نیستم گرنوشدارویی برای دردمندی
نیز بایی دست و پایی نیش جزاری نباشم

امام حسین علیه السلام و بیماران نیازمند
عیادت از بیماران نیازمند از
ویژگیهای مهم سالار شهیدان بود. آن
حضرت با ملاقات آنان علاوه بر
دلجویی و تسکین آلام روحی و
جسمی بیماران و دردمندان، به

[راضی کرده] و گشایشی در زندگی بر
ایشان ایجاد کنید ولی با اخلاق
خوشتان آنان را خوشنود کنید.»

بر همین اساس، حضرت امام
حسین علیه السلام گاهی که برایش رفع
گرفتاری مستمندان مقدور نبود با
گشاده رویی و رفتاری خوشایند
مراجعان را راضی می فرمود. یکی از
این مصادیق را مرور می کنیم:

آن حضرت نشسته بود که فرد
نیازمندی به آن بزرگوار مراجعه کرد و
اظهار داشت: ای پسر رسول خدا، به
دادم برس! فلان شخص از من طلبکار
است و می خواهد مرا زندانی کند. امام
حسین علیه السلام فرمود: «وَاللّٰهُ مَا عِنْدِيْ مَالٌ
اَقْضِيْ عَنْكَ؛ به خدا قسم! الان هیچ پولی
ندارم که بدهی تو را پرداخت نمایم.»

مرد بدهکار گفت: «پس لااقل با او
گفتگو کن شاید رأیش عوض شود.»

امام فرمود: «من هیچ گونه آشنایی
با طلبکار تسو ندارم، اما از پدرم
امیر مؤمنان علیه السلام شنیدم که می گفت:
رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «مَنْ سَعَى
فِي حَاجَةِ اَخِيهِ الْمُؤْمِنِ فَكَأَنَّمَا عَبْدَ اللّٰهِ تِسْعَةَ
الْاَفْسَسَةِ، ضَائِمًا نَهَارَةً، فَائِمًا لَيْلَةً؛ هر کس

پرداخت بدهیهایم بمیرم. حضرت فرمود: من تمام بدهی هایت را قبل از مرگ تو می پردازم.

حضرت اباعبدالله علیه السلام همچنان که وعده داده بود قبل از مرگ اسامه تمام قرضهای وی را پرداخت^۱.

خدمت به ضعیفان و یتیمان

امام حسین علیه السلام بسان همه پیشوایان معصوم در خدمت رسانی به محرومان و یتیمان، برنامه ویژه‌ای داشت و آن حضرت منتظر نمی ماند که یتیمی به او مراجعه کرده، نیازهایش را بازگو کند. سرور آزادگان جهان برای رسیدن به درجات خدمتگزاران حقیقی، خود پیشقدم می شد و به طور ناشناس و در دل شبهای تاریک به رفع مشکلات یتیمان، بیوه زنان و محرومان جامعه می پرداخت. او همچون پدر ارجمندش حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام آن چنان در این امر مهم اهتمام داشت و کار خود را به صورت غیر محسوس انجام می داد که تا قبل از شهادتش مردم عادی از یتیم

مشکلات مادی و اقتصادی آنان نیز رسیدگی می کرد؛ چرا که مریضهای فقیر و مستمند بیش از آنکه در اندیشه سلامتی خود باشند به فکر بدهکاریها و نیازهای مادی خود هستند و این مشکل از نظر روحی و روانی شدیداً آنان را می آزارد. به همین جهت بر افراد توانمند و مرفه جامعه مسلمین لازم است که به این موارد توجه بیشتری داشته باشند و همچنان که در فکر رفاه و آسایش خود و خانواده‌هایشان هستند در اندیشه این گروه دردمند نیز باشند.

«ابن شهر آشوب» می نویسد:

«روزی امام حسین علیه السلام به ملاقات بیماری بدهکار به نام اسامه بن زید رفت. او در بستر بیماری آه و زاری می کرد و مکرر می گفت: ای وای از دست غم و اندوه! حضرت از او پرسید: چه اندوهی داری؟ اسامه گفت: بدهکارم و غم و غصه شصت هزار درهم قرض، تمام وجودم را فرا گرفته است. امام حسین علیه السلام فرمود: ناراحت نباش! من بدهیهای تو را پرداخت می کنم. اسامه گفت: می ترسم قبل از

۱. مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۲۲۱.

اوست. زیرا پرسودترین سرمایه هر کسی گوهر معرفت و علم و ادب است و تمام امور زندگی و فلسفه خلقت انسان برای وصول به این مقام است و این سرمایه جاویدان - برخلاف سرمایه‌های مادی - در دنیا و عقبی با انسان همراه است.

همچنان که گفته‌اند:

گوهر معرفت آموز که با خود ببری

که نصیب دگران است نصاب زروسیم
شخصی به حضور پیشوای سوم
آمد و عرض کرد: «ای پسر رسول
خدا صلی الله علیه و آله، من خون بهایی را عهده‌دار
شده‌ام اما در پرداخت آن ناتوانم. به
ناچار پیش خود فکر کردم این مشکل
را با کریم‌ترین مردم عصر در میان
بگذارم و هر چه جستجو کردم کریم‌تر
از شما نیافتم.»

امام علیه السلام به او فرمود: «ای برادر! من
سه سؤال از تو می‌کنم؛ اگر یکی را
پاسخ دادی $\frac{1}{3}$ بدهی‌ات را می‌پردازم و
اگر دو تا را جواب گفתי $\frac{2}{3}$ و اگر همه را
صحیح پاسخ دادی تمام بدهی‌ات را

نوازی و خدمات محرومیت زدایی آن
جناب آگاهی نداشتند.

«شعیب بن عبدالرحمن خزاعی»
در این زمینه می‌گوید: «بعد از حماسه
عاشورا، مردان قبیله بنی اسد - هنگامی
که خواستند جسد مطهر حضرت
سیدالشهداء علیه السلام را دفن کنند - بر دوش
آن حضرت، اثر زخمی یافتند که کاملاً
از جراحتهای جنگی متفاوت بود؛
زخم کهنه‌ای بود که هیچ شباهتی به
زخمهای روز عاشورا نداشت. از امام
سجاد علیه السلام در این مورد سؤال کردند. آن
حضرت در پاسخ فرمود:

«هُذَا مِمَّا يُنْقَلُ الْجِرَابُ عَلَى ظَهْرِهِ السِّي
مُنَازِلِ الْأَرَامِلِ وَالْيَتَامَى؛^۱ این زخم بر اثر
حمل کیسه‌های غذا و به دوش کشیدن
هیزم به خانه‌های بیوه زنان و یتیمان
است.»

شهریاری که به شب برقع پوش

می‌کشد بار گدایان بر دوش

ناشناسی که به تاریکی شب

می‌برد نان یتیمان عرب

خدمت به قدر معرفت

در سیره امام حسین علیه السلام خدمت
رسانی به هر کسی به اندازه معرفت

۱. همان، ج ۴، ص ۶۶؛ بحار الانوار، ج ۴۴،
ص ۱۹۰.

خواهم پرداخت!!!»

مرد ناتوان با لحنی عاجزانه گفت:
«ای فرزند رسول الله! آیا شخصی مثل
شما - که از خاندان علم و شرف و
فضیلت هستی - از کسی مثل من سؤال
می‌کند؟!»

امام حسین علیه السلام فرمود: «بلی، از
جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که
می‌فرمود: *الْمَعْرُوفُ بِقَدْرِ الْمَعْرِفَةِ*، نیکی
[و خدمت به دیگران] به قدر معرفت
[آنها] است.»

مرد گفت: «در این صورت هر چه
می‌خواهی بپرس!» و امام با آن مرد
چنین گفتگو کرد:

- «کدام عمل، فضیلت بیشتری دارد؟»

- «ایمان به خدا.»

- «راه نجات از هلاکت چیست؟»

- «اعتماد به خدا.»

- «آرایش و زیبایی حقیقی افراد

در چیست؟»

- «علم و دانشی که با حلم و

بردباری توأم باشد.»

- «اگر آن نبود؟»

- «ثروتی که با انصاف و مروت

همراه باشد.»

- «اگر آن هم نبود؟»

- «فقر و محرومیتی که با صبر و

پایداری تحمل شود.»

- «اگر آن هم نباشد؟»

- «در این صورت بهتر است بلایی

از آسمان آمده، چنین فردی را نابود

کند که او شایسته همین است.»

در اینجا امام حسین علیه السلام خندید و

مبلغ هزار دینار به وی عطا کرد. آنگاه

انگشتر مبارکش را که نگینی به ارزش

دویست درهم داشت به عطایش افزود

و فرمود: *يَا أَغْرَابِي! اَعْطِ الذَّهَبَ إِلَيَّ*

عُرْمَانِكَ وَاضْرِبِ الْخَاتَمَ فِي نَفَقَتِكَ؛ ای مرد

عرب، طلا را به طلبکارانت بده و

انگشتر را در مصارف شخصی خود

خرج کن.»

مرد بدهکار با خوشحالی تمام

هدیه امام را گرفت و در حالی که آیه

«اللَّهُ أَغْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ» را قرائت

می‌کرد، از حضور امام حسین علیه السلام

مرخص شد.^۱

هشدار به مسئولان

سرور آزادگان جهان، اندکی قبل

۱. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۹۶.

بستگان خود برای رضای خدا بریدید. آیا [با این پرونده سیاه و اعمال زشت] بهشت خداوند و همجواری پیامبران او را آرزو می‌کنید و با این حال می‌خواهید از عذاب خدا در امان بمانید؟!۱

سالار شهیدان در فراز دیگری از کلمات بیدارگرانه و کوبنده خود به وضوعیت اسف بار و نابسامان مستضعفان و بیچارگان می‌پردازد و می‌فرماید:

«وَقَدْ تَرَوْنَ عَهْدَ اللَّهِ مَنقُوصَةً فَلَا تَفْرَعُونَ وَأَنْتُمْ لِبَعْضِ ذِمِّمِ آبَائِكُمْ تَفْرَعُونَ وَذِمَّةُ رَسُولِ اللَّهِ مَحْقُورَةٌ، وَالْعَمَى وَالنَّبْكَمُ وَالرِّمَى فِي الْمَدَائِنِ مُهْمَلَةٌ لَا تَرَحْمُونَ وَلَا فِي مَنْزِلَتِكُمْ تَعْمَلُونَ وَلَا مَنَ عَمَلٍ فِيهَا تَعْنُونَ وَبِالْأَذْهَانِ وَالْمُصَانَعَةِ عِنْدَ الظَّلَمَةِ تَأْمَنُونَ؛^۱

شما می‌بینید که پیمانهای الهی شکسته می‌شود ولی هیچ فریاد نمی‌کشید در حالی که برای بعضی از پیمانهای پدرانستان آشفته خاطر می‌شوید. اینک پیمانهای رسول خدا صلی الله علیه و آله مورد بی‌اعتنایی قرار گرفته و

از هلاکت معاویه، در خطبه‌ای حساس و تاریخی در سرزمین منابه مسئولان جامعه اسلامی و عالمان و حاکمانی که در اجتماع نقش مؤثری دارند، اما در مورد خدمت رسانی به فقرا، محرومان و نیازمندان جامعه کوتاهی می‌کنند سخنانی هشدار دهنده بیان می‌فرماید و نکات مهمی را در این زمینه به آنان یادآور می‌شود.

آن حضرت در بخشی از سخنان خود به تزییع حقوق مستضعفان و محرومان جامعه اشاره می‌فرماید و از بی‌توجهی مسئولان جامعه به مسائل خدماتی انتقاد می‌کند و می‌فرماید:

«فَأَمَّا حَقُّ الضُّعْفَاءِ فَضَيِّعْتُمْ وَأَمَّا حَقُّكُمْ بِرِزْقِكُمْ فَطَلَبْتُمْ، فَلَا مَالَ بَدَلْتُمُوهُ، وَلَا نَفْسًا خَاطَرْتُمْ بِهَا لِذِي خَلْقِهَا وَلَا عَشِيرَةَ عَادَ بَيْتُمُوهُ فِي ذَاتِ اللَّهِ، أَنْتُمْ تَتَمَنُونَ عَلَى اللَّهِ جَنَّتُهُ وَمُعَاوِرَةَ رُسُلِهِ وَأَمَانًا مِنْ عَذَابِهِ؟!؛

[شما ای بزرگان و مسئولان جامعه!] حق ضعیفان را پایمال نمودید و آنچه را که حق خود تصور می‌کردید طلب کردید ولی در راه خدا نه مالی بخشش کردید و نه جانتان را به مخاطره انداختید و نه از اقوام و

۱. تحف العقول، ص ۲۳۷ و ۲۳۸.

«إِذَا جَادَتِ الدُّنْيَا عَلَيْكَ فَجُدْ بِهَا
عَلَى النَّاسِ طَرًّا قَبْلَ أَنْ تَنْقَلِتِ»
«آنگاه که دنیا به تو روی خوش نشان
داد [و برایت امکاناتی فراهم شد] تو
هم از آن به نفع نیازمندان و مستمندان
بهره گیر، قبل از آنکه از دستت بیرون
رود.»

فَلَا الْجُودُ يَفْنِيهَا إِذَا هِيَ أَقْبَلَتْ
وَلَا الْبُخْلُ يَبْقِيهَا إِذَا مَا تَوَلَّتِ^۱
«نه بخشش تو آن را - هر گاه به تو روی
آورد - از بین خواهد برد و نه بخل تو،
آن را - هر گاه به تو پشت کند - باقی
خواهد گذاشت.»

آثار خدمتگزاری

حضرت حسین بن علی علیه السلام برای
توسعه امر خدمت رسانی در جامعه، مردم
را از آثار این امر مقدس آگاه کرده،
می فرماید:

«فَمَنْ تَعَجَّلَ لِأَخِيهِ خَيْرًا وَجَدَهُ إِذَا قَدِمَ
عَلَيْهِ غَدًا وَمَنْ أَرَادَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِالصَّنْبِغَةِ
إِلَى أَخِيهِ كَأَفَاهُ بِهَا فِي وَقْتِ حَاجَتِهِ وَصَرَفَ
عَنْهُ مِنْ بَلَاءِ الدُّنْيَا مَا هُوَ أَكْثَرُ مِنْهُ وَمَنْ نَفَسَ

نابینایان، اشخاص کر و زمینگیر در
همه شهرها بی سرپرست مانده اند، به
آنان رحم نمی کنید و مطابق شأن و
منزلت خود عمل نمی کنید و به کسانی
که در این راه خدمت می کنند توجه
نمی کنید و با چرب زبانی و سازش با
ستمکاران خود را در حاشیة امن قرار
داده اید.»

امام حسین علیه السلام خودداری از
رسیدگی به محرومان و نیازمندان را از
بدترین صفات حاکمان می دانست و
همواره می فرمود:

«سُرُّ خِصَالِ الْمُلُوكِ: الْجُبْنُ مِنَ الْأَعْدَاءِ
وَالْقَسْوَةُ عَلَى الضُّعْفَاءِ وَالْبُخْلُ عِنْدَ الْإِغْطَاءِ؛^۱
بدترین صفات حاکمان، ترس از
دشمنان، قساوت بر ضعیفان و
خودداری از بخشش در موقع عطا
می باشد.»

آن حضرت علاوه بر حمایت های
عملی خویش از محرومان جامعه بر
ضرورت خدمت رسانی به نیازمندان
تاکید کرده، در گفتارها و اشعارش این
اعتقاد خود را ابراز می نمود.

نمونه ای از اشعار آن بزرگوار را
می خوانیم:

۱. العوالم، الامام الحسين علیه السلام، ص ۶۲.
۲. المناقب، ج ۴، ص ۶۶.

«خداوند متعال فقط از پرهیزگاران [اعمال نیک] را می پذیرد.»

در این راستا امام حسین علیه السلام رهنمودهای ارزنده‌ای به جامعه بشری عرضه نموده است. هنگامی که به آن حضرت خبر دادند «عبدالله بن عامر» - از کارگزاران بنی امیه - چنین و چنان صدقه داده و عده زیادی برده آزاد کرده است، امام علیه السلام فرمود:

«مَثَلُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ هَمَانٌ كَسَى سُرْقَتَ كَرْدٍ وَ سَبَسَ أَمْوَالَ دُزْدِي رَا صَدَقَهُ مِي دَهْد.»^۱ آنگاه افزود:

«أَتَمَّا الصَّدَقَةُ الطَّيِّبَةُ صَدَقَةٌ مِّنْ عَرِيقٍ فِيهَا جَبِيئَةٌ وَأَغْبَرُ فِيهَا وَجْهَةٌ؛ صَدَقَةٌ صَدَقَةٌ كَسَى اسْتِ كَهْ دَر رَاهِ كَسْبِ آنْ پِشَانِ اشْ عَرِيقُ كَرْدِهْ وَ صَوْرَتَشْ غَبَارُ آلُودِ شُدِهْ اسْت.»
وقتی از امام صادق علیه السلام سؤال شد:
«منظور حضرت سید الشهداء علیه السلام چه کسی بوده است؟» فرمود: «علی بن ابی طالب علیه السلام».^۳

۱. کشف الغمه، ج ۲، ص ۲۹ و ۳۰.

۲. مانند/ ۲۷.

۳. دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۳۲۹؛ مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۲۴۴.

كُرْبَةً مُّؤْمِنٍ فَرَّجَ اللهُ عَنْهُ كُرْبَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛^۱
هر کس برای نیکی [و خدمت رسانی] به برادر خود بشتابد فردا نتیجه آن را خواهد دید و کسی که برای خدا به برادر دینی خود یاری نماید خداوند او را به هنگام نیازمندی یاری خواهد کرد و بیشتر از آن او را از بلاها و گرفتاریها دور خواهد ساخت و آن کسی که اندوه و غم را از دل مؤمنی بر طرف نماید، خداوند متعال غم و غصه‌های دنیا و آخرت [او] را بر طرف خواهد نمود.»

مهم‌ترین شرط خدمتگزاری

در خدمتگزاری به مردم یک شرط اساسی وجود دارد که بدون آن عمل نیک، ارزش واقعی خود را از دست خواهد داد و آن اینکه خدمت به مردم باید از راه صحیح و پاکیزه انجام پذیرد. و بر اساس تقوا و پاکدامنی و برای خدا باشد و گر نه خدمت رسانی به خاطر مقاصد نفسانی و هواهای شیطانی هیچ گونه تاثیری نخواهد داشت؛ چرا که عمل خیر باید از راه خیر و نیک انجام پذیرد؛ همچنان که خداوند متعال می فرماید:

«أَتَمَّا يَتَقَبَّلُ اللهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ»^۲؛